

احمد رجیبی در گفت و گو با «فرهیختگان»

بحران هایی که هایدگر به آنها می اندیشد

همچنان بحران های زمانه ما است

طالب زاده، علی اصغر صلح، محمد جواد سافیان و علی اصغر محمدخانی، رساله احمد رجیبی با عنوان «تناهی و طرح استعلایی هستی شناسی بنیادین در اندیشه هایدگر» در سومین دوره جایزه دکتر رضا داوری اردکانی در سال ۹۸ به عنوان رساله برگزیده انتخاب شد و از رساله «پدیدارشناسی عشق و بحران فرهنگ متجدد» (مدرن) بر اساس آرای ماکس شلر، نوشته صیورا حاجی علی اهورک پور نیز تقدیر بعمل آمد. احمد رجیبی، هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران است و متن آن پایان نامه توسط نشر هرمس به چاپ رسیده است. در گفت و گویی با دکتر احمد رجیبی به معضل پایان نامه نویسی در ایران و تفکر هایدگر پرداخته ایم.



سیدحسین امامی روزنامه‌نگار

مرکز فرهنگی شهر کتاب از سال ۱۳۹۴ و به منظور تقدیر از دانشجویان دکتری رشته فلسفه و با مشاورت و همفکری، اشراف و حمایت مادی و معنوی استاد دکتر رضا داوری اردکانی، به نام ایشان، جایزه ای به بهترین رساله دکتری رشته فلسفه اهدا می کند. اعضای هیات داوران جایزه دکتر داوری اردکانی عبارتند از: رضا داوری اردکانی، پرویز ضیاء شهبابی، شهرام پازوکی، حمید



پایان نامه شما برگزیده جایزه دکتر داوری شد و مورد تحسین بسیاری از اساتید نیز قرار گرفت. اما چرا اکثر دانشجویان ایرانی از نوشتن پایان نامه خوب ناتوان هستند؟ چرا موضوعات پایان نامه‌ها ما کار بردی و لازم و برطرف کننده نیاز جامعه نیست، خصوصا در رشته های علوم اجتماعی، اقتصاد و... اصولا دانشجویان ایرانی انگار توان نوشتن متن ندارند، حتی در پاسخ به سوالات امتحانی توان پردازش و پرورش و تفکر و اندیشیدن و نگارش اندیشه را ندارند چه رسد به نگارش مقاله و پایان نامه. اگر بخواهیم از این نظر مقایسه ای میان دانشگاه های ایران و غیر آن داشته باشیم، وضعیت ما چگونه است؟

بر حسب آنچه در فضای دانشگاهی معمولاً دیده‌ام و نمی‌خواهم احکام کلی و مطلق صادر کنم، به نظرم می‌رسد پاسخ این مساله را می‌توان در چند نکته عمده و به هم پیوسته یافت؛ نخست اینکه از حیث صوری چارچوب و طراحی تحصیل دانشگاهی ما از همان مقطع کارشناسی تا تحصیلات تکمیلی عمدتا مبتنی بر تدریس و آموزش صرف است؛ به این معنا که دانشجویان معمولاً مطالبی را در قالب کتب و جزوه‌های درسی دریافت می‌کنند و کلیاتی را از محتوای رشته خود فرامی‌گیرند و همان مطالب را در آزمون‌های تحویل می‌دهند، بی آنکه در مسیر آموزش، چگونگی نگاه و طرح مسأله پژوهشگرانه و شیوه‌گیری و انجام و نگارش آن به دانشجویان منتقل شود. دلیل عمده ضعف دانشجویان در پایان نامه نویسی، به سادگی همین نکته است که هیچ سابقه‌ای ناظر به تمرین و کسب مهارت در مراحل مختلف پژوهش در مقاطع تحصیلی خود و عملا تا پیش از ضرورت اداری برای ارائه پروپوزال ندارند و ناگهان با الزامی مواجه می‌شوند که تا پیش از این با آن هیچ مواجهه‌ای نداشته‌اند. برای مثال دانشجوی مقطع دکتری ما تا آستانه نگارش طرح رساله خود، صرفا درگیر واحدهای آموزشی و آزمون جامع و آزمون زبان است و اگر توان برنامه ریزی شخصی برای بیرون زدن از الزامهای دانشگاهی در دو سال نخست تحصیلات را نداشته باشد، اساسا فرصتی برای مطالعه پژوهشی درباره موضوع رساله اش را نیز پیدا نمی‌کند، چه رسد به تمرین و کسب مهارت در نگارش آن. با الزام‌های جدیدتر دانشگاه‌ها و اشتیاق نظام اداری دانشگاه برای هر چه سریع تر فارغ التحصیل ساختن دانشجویان، اندک زمان لازم برای مطالعه و پژوهش و تعمق در موضوع نیز از بین می‌رود و دانشجوی دکتری عملا در فرصت چهار نیم سال پس از آزمون جامع باید مطالعه و پژوهش و نگارش را به اتمام برساند، و گرنه با جریمه‌های مالی مواجه خواهد شد. جبران این ضعف را اگر صرفا در این راه حل جویم که اساتید ضمن تدریس در مقاطع مختلف، علاوه بر آزمون‌ها از دانشجویان پژوهش و مقاله نیز مطالبه کنند، باز هم راه به جایی نخواهیم برد، زیرا آنچه مهم است، نه الزام دانشجوی به ارائه مقاله و پژوهش و نیز برگزاری کلاس‌های روش تحقیق، بلکه در این است که اساسا محتوای تدریس و آموزش را از پایه بتوانیم «پژوهش محور» کنیم؛ یعنی در همان محتوای آموزشی بتوانیم پژوهش را آموزش دهیم. مقصود این است که از همان مقطع کارشناسی به جای انتقال خلاصه‌هایی از محتوای کتاب‌های درسی و مقدماتی به دانشجویان و تعیین چارچوب‌های صوری و قالب بندی شده به عنوان محتوای واحدهای آموزشی که عملا دانشگاه را به ساختار مدارس و آموزش و پرورش شبیه می‌کند و آن هم خودش محل بحث است، بتوانیم دانشجوی را با پرسش‌ها و مساله‌ها مواجه کنیم و با مساله محور ساختن محتوای آموزشی، دانشجوی را به پژوهش و مطالعه پژوهشگرانه واداریم. چنین کاری به نوبه خود مشروط به چند شرط و مقدمه است: نخست اینکه مطالعه کتب درسی و مقدماتی از الزام‌های مفروض و مسلم خود دانشجوی باشد، نه اینکه استاد وقت کلاس را به تلخیص آنها و انتقال شان به دانشجوی بگذراند و فرصت کند تا بحثی مساله محور را در کلاس پیش ببرد. دوم اینکه لازمه چنین کاری وجود متون پایه و استاندارد تالیف و ترجمه شده است که مدرس بتواند به آنها برای مطالعه دانشجوی ارجاع دهد. سوم آشنایی با زبان‌های خارجی است که دانشجویان ما از دوران تحصیل در مدارس تا پایان کنتری در این زمینه ضعف و نقصان دارند. چهارم احاطه خود استاد و مدرس به زمینه‌های پژوهشی تخصصی و نوبه‌واست که بتواند آنها را در قالب کلاس‌ها یا فراغ باال طرح کند. پنجم فرصت و شرایطی برای اساتید است که بتوانند

پرسش از آزادی، پرسش از جهان و انسان و زبان و... را چنان طرح می‌کند و از نومی پرسد که در دل خودش اولاً فراتر از تکثر اشخاص و دوران‌های تاریخی، بیکارچی و پیوند ضروری موضوع فلسفه را در عمق و ایسین مفاهیم و درک هایش نشان می‌دهد و امکان بازتفسیر تاریخ فلسفه را به منزله یک کل زنده آشکار می‌سازد و ثانیاً سیر درونی مسائل بنیادین فلسفه را چنان تحلیل و تفسیر می‌کند و به تعبیر خودش ساز می‌کند که ما را به فهمی از نسبت آنها با وضعیت معاصر خودمان و بحران‌های کنونی انسان می‌رساند؛ بحران‌هایی که هایدگر به آنها می‌اندیشد، همچنان بحران‌های زمانه ماست و در راس آن بحران نسبت سلطه گرانه و نیهیلیستی انسان با موجودات، با طبیعت و انسان‌ها و با خودش است. شاید بیان هایدگر درباره غلبه تقدیر متافیزیک در نیهیلیسم و ذات تکنیک و پایان فلسفه و امثالهم برای ما بیدنیانه یا آخر زمانی یا بی‌فایده و بدون راهکارهای عملی به نظر برسد، اما فراتر از این گونه موضع گیری‌ها نمی‌توان انکار کرد که هایدگر سطحی از بحران انسان را مورد تأمل فلسفی خویش قرار داده و آن را به گونه‌ای با مسائل بنیادین کل فلسفه در پیوند دیده است که با موضع گیری ما مساله حل یا پاک نمی‌شود. شاید بتوان حاصل کل حیات فکری هایدگر را در این بیان خلاصه کرد که تاریخ بشر به نقطه‌ای تعیین کننده رسیده که سلطه‌گری خودش بر موجودات را در آستانه خودیورنگری تام و نابودی چیزی چون انسانیت انسان قرار داده است و اینکه میراث فلسفه‌ای که تا کنون بوده و اساسا میراث تاکنون بشر، با تکیه بر داشته‌هایش رویارویی با چنین بحرانی را تاب نمی‌آورد و اضطراب را اندیشه دقیقا در همین جاست. با توجه به این نکات اجمالی می‌خواهم بگویم اهمیت هایدگر اختصاصی به ایران یا مدهای روزنالیستی ندارد. اساسا هایدگر در فضاهای «به تعبیر شما مطابق مد» چندان اقبالی ندارد و توجه این گونه به او همچنان ذیل بحث‌های ایدئولوژیک و سیاسی می‌رود در رد و اثبات نظام‌های توتالیتیر. به نظرم بسی فراتر از این دست توجه‌ها به هایدگر، آنچه توجه به هایدگر و پژوهش درباره اندیشه او و حضورش در اندیشه فیلسوفان بعدی تا کنون را در غرب و در ایران و همین طور در حوزه‌های فرهنگی دیگر جهان نظیر شرق آسیا و آمریکای جنوبی زنده و هیوا نگه داشته، نحوه تفکری است که هایدگر با آن، تفسیر بنیادین ترین مسائل تاریخ فلسفه را به مسائل و بحران‌های زمانه ما، یعنی بحران بی‌معنایی انسان معاصر گرمی‌زند. دقیقا با همین شیوه تفکر است که هایدگر ضرورت رجوع دوباره به سرآغازهای فلسفه و فیلسوفان کلاسیک بزرگ را به ما می‌آموزد؛ رجوعی که از سر نتفن با پژوهش‌های تاریخی با صرف گرمیادگاه میراث فلسفی مان با بالیدن به سنت جوادان مان نیست، بلکه از سر ضرورت و اضطراب و اتصال آنها به مساله و بحران معاصر ماست. هایدگر اقبالی را از امکان تأمل فلسفی پیش روی ما می‌گشاید که ذیل آن می‌توانیم ببیندیشیم و تشخیص دهیم که فیلسوفان بزرگ هر یک چنقش در سیر مسائل بنیادین فلسفه در شکل یافتن وضعیت معاصر ما دارند و هر یک به نوبه خود چگونه به ابعاد [آن] بحرانی اندیشیده‌اند که در زمانه ما بعینه امکان زیست انسانی را با مخاطره‌های عینی مواجه می‌سازد. هایدگر نشان می‌دهد چگونه فیلسوفان بزرگ یا بکدیگر در گفت و گویی فراتر از فاصله تاریخی شان به سر می‌یازند و چگونه از دل این گفت و گو بر سر مسائل بنیادین، تاریخ‌مندی حقیقت سربرمی‌آورند و به ظهور می‌رسد.

رای کار تحقیقی در خصوص فلاسفه غربی دانستن زبان اصلی فیلسوف و همین طور در مورد فلاسفه اسلامی دانستن زبان عربی و رجوع به متن خود فیلسوف چقدر اهمیت دارد؟

به نظرم اهمیت تام دارد و باید در کارهای پژوهشی و دانشگاهی ما، مانند دانشگاه‌های معتبر جهان، به یک امر مسلم تبدیل شود و باید برای پیش رفتن به سمت این هدف در هر رشته‌ای برنامه ریزی دقیقی انجام شود. کما اینکه تحصیلات زبان عربی کلاسیک برای خوانش متون کلاسیک علوم متفوق و معقول در سنت اسلامی در حوزه‌های علمیه ما، یک مطالعه مسلم و همیشگی از طایب است و همواره جزء لا ینفک برنامه درسی حوزه بوده است. همان قدر که مثلا خواندن مکاسب با ترجمه فارسی برای یک مجتهد می‌تواند کاری غیراصولی و خارج از ضوابط کار عالم و متخصص این حیضه قلمداد شود، مطالعه وجود و زمان هایدگر با محاوره‌های افلاطون و متافیزیک ارسطو نیز با ترجمه فارسی برای پژوهشگر و متخصص هایدگر پژوهی و یونان پژوهی باید کاری نامعمول به نظر برسد. به هیچ وجه مقصود این نیست که ترجمه فارسی نیاید صورت گیرد یا اینکه زبان فارسی قابلیت ترجمه و انتقال این مطالب را ندارد، بلکه برعکس، ما دقیقا نیازمند پژوهشگران مسلط به زبان‌های این موضوع پژوهش شان هستیم تا بر اساس احاطه آنها؛ بتوانیم زمینه را برای ترجمه‌های فارسی دقیق و معیار فراهم کنیم و بتوانیم اندکی از آشفتگی کنونی در ترجمه‌های آثار فلسفی بیرون بیاوریم. ترجمه هر اثر فلسفی، اگر بر اساس پژوهش و تسلط کامل بر موضوع و زبان مبدا و مقصد صورت گیرد، در واقع از نواندیشیده شدن مساله و از نواندیشیدن افق زبان ما در آن مساله است و این خود یک ضرورت فلسفی است. در شیوه بیان فیلسوف و مفهوم پردازی او در هر زبان، از طیف‌های معنایی ای بهره گرفته می‌شود که گاه در یک کلمه جمع می‌شوند، مانند واژه لوگوس یونانی و جز با تسلط به زبان اصلی نمی‌توان به فهم عمیق و همه جانبه دست یافت. رجوع دائم و پیوسته به متون اصلی فیلسوف و زبان‌های اصلی در پژوهش ضروری است تا فهم مساله ذیل بحث در رابطه نا گسستی زبان و اندیشه و نحوه تکوین واژگان و مفاهیم و شیوه بیان فیلسوفی در دل کاربردهای زبانی آغازین و پیشا فلسفی و تجربه رسته آن فرهنگ و زبان صورت گیرد و هم اینکه در رفت و برگشت ذهن پژوهشگر میان سنت زبانی متن فیلسوف با زبان خودش، فهم جدیدی رخ دهد. این اتفاقی است که در مقاطع مهم و نقاط عطف تاریخ فلسفه میان زبان‌های یونانی و عربی و لاتینی و زبان‌های جدید اروپایی رخ داده است و امروز نیز در دانشگاه‌های معتبر جهان بدیهی است که پژوهشگر افلاطون یونانی کهن بداند و پژوهشگر ابن سبئان عربی و پژوهشگر هایدگر آلمانی. همچنین کار ترجمه‌های چندباره آثار بزرگ فلسفی به طور همزمان همواره در جریان است.

مرحله سوم

آگهی مناقصه

دستگاه مناقصه گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

موضوع مناقصه: واگذاری حجمی امور خدمات نظافتی و انجام امور مربوط

مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مناقصه و دریافت اسناد:

از تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۸ لغایت ۱۳۹۹/۴/۳۱

بابت دریافت اسناد به سایت با حضورا به آدرس زیر مراجعه فرمائید:

مناقصه/۱۰۷۶/ http://financial.iauctb.ac.ir/fa/page/۱

تهران-بزرگراه ارتش-خیابان سوهانی (سوهانک)-دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز-ساختمان ستادی (ولایت ۷)-طبقه ششم-اداره کمیسیون معاملات- جهت کسب اطلاعات بیشتر یا کارشناس فنی به شماره ۲۲۴۸۱۷۲۱-۲۲۴۸۱۷۲۲ تماس حاصل فرمائید.

مهلت ارائه پاکت: از پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۴/۳۱

مدارک مورد نیاز در زمان تحویل پاکت: فیش واریزی بابت خرید اسناد مناقصه به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۱۱۰۹۹۲۸۳۹۰۰ بانک ملی شعبه قنات کوثر (غیر قابل استرداد)-لطفا همراه با فیش واریزی جهت دریافت اسناد به حضور بیاید.

محل تحویل و عودت پاکت مناقصه: تهران-بزرگراه ارتش-خیابان سوهانی (سوهانک)-دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز-ساختمان ستادی (ولایت ۷)-طبقه ششم-اداره حراست-(پاکت‌ها به صورت لاک و مهر تحویل گردد)

دانشگاه در دریا قبول یک یا همه پیشنهادات مختار و پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجناب مهرا ن مهجوری سپاهکل فرزند قهرمان به شماره ملی ۴۲۲۳۳۴۶۵۷۳ صادره از قزوین در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۰۴۳۳ مقفود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

◆◆◆

برگ سبیز خودرو سواری سیستم: سایپا تیپ ۱۳۲ رنگ: سفید-روغنی مدل: ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ایران ۵۱۲/۷۳ ط ۴۲ شماره موتور: ۳۶۱۵۷۲۶ شماره شاسی: ۵۱۴۲۲۲۸۹۱۸۵۵۲۱ به مالکیت آقای سعید عزیزداده به کد ملی ۰۱۵۶۲۷ مقفود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

◆◆◆

برگ سبز و سند خودرو پراید مدل ۸۷ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۲۵۳۵۷۶۷ و به شماره شاسی ۵۱۴۲۲۲۸۷۰۲۰۹۲۱ مقفود به شماره پلاک ۱۴-۳۲۱۱۷ ۸۷ به نام مهدی آب‌دیده مقفود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

◆◆◆

برگ سبیز و کارت خودرو کامیونت زامیاد مدل ۹۶ به رنگ آبی روغنی به شماره موتور ۱۲۱Z۴۴۷۴۶۲۲ و به شماره شاسی ۵۱۴۲۲۲۸۷۰۴۸۰۴۶۱ NAZPL۱۴۰BH و به شماره پلاک ۱۴-۸۷۳ و ۲۸ به نام شهره رحیم دشتی مقفود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مرحله سوم

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان در نظر دارد گلخانه ۲۰۰۰ متری خود همراه با کلیه امکانات و تجهیزات مربوط به آن را از طریق برگزاری مزایده عمومی و انعقاد قرارداد اجاره به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ انتشار آگهی با واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت دریافت اوراق مزایده به حساب شماره ۰۶-۱۸۲۰۰۶-۰۲۳۱۸۷۶۰۱۰۲ دانشگاه (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران) و ارائه رسید آن به واحد حقوقی دانشگاه نسبت به دریافت اوراق مزایده و همچنین بازدید از مکان گلخانه مورد نظر اقدام نمایند. ضمنا شرکت کنندگان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر یا شماره تلفن ۰۱۰۳۵۲۵۰۰۲۳ تماس حاصل نمایند.

◆◆◆

اداره روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

مرحله سوم

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در نظر دارد مراکز انتشارات دانشگاهی خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط از طریق مزایده عمومی به صورت اجاره یک ساله واگذار نماید.

شرایط مزایده:

۱- اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط با سابقه حداقل ۲ سال کار در مراکز آموزشی.

۲- واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد مزایده به حساب شماره ۵۰۰۲۷۸۸۸۵۰۰۱ بانک ملی شعبه سیند به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

۳- مدت زمان واریز وجه و دریافت اسناد مزایده از تاریخ چاپ این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد.

۴- مدت زمان تحویل اسناد تکمیل شده و پیشنهاد قیمت در پاکت در بسته و مهرموم شده از تاریخ چاپ این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد.

۵- به پیشنهادات مغضوب، مهیم و فاقد سیره ترتیب اثر داده نمی‌شود.

۶- سپرده نقرات دوم و سوم تا زمان انعقاد قرارداد با تفر اول با رعایت سایر موارد اسناد مزایده عودت نخواهد شد.

۷- محل دریافت اسناد مزایده: خیابان ایرانشهر شمالی- خیابان آذرشهر - پلاک ۳۳-طبقه پنجم- دفتر خدمات عمومی می‌باشد.

۸- پاکت مهرموم شده حاوی مدارک راپس از تکمیل نمودن به آدرس: تهران-خیابان ایرانشهر-نیش خیابان آذرشهر-پلاک ۲۳۳-دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب- طبقه هشتم- اداره کار حراست، تحویل و رسید دریافت نمایند.

تلفن تماس: ۰۶۰۲۷۸۸۴۰۰۱-۰۸۸۴۳۴۲۹-۰۲۳۱۸۷۶۰۰۱-۰۲۳۱۸۷۶۰۰۱-۰۲۳۱۸۷۶۰۰۱-۰۲۳۱۸۷۶۰۰۱-۰۲۳۱۸۷۶۰۰۱

پیشنهادات اختتام یافته داشته و هزینه آگهی در دوروزنامه برعهده برنده مزایده می‌باشد.